



اهمیت این دست آوردها در زمانی متوجه میشد که بدونید این بیست و یک مجتمع پتروشیمی تو این منطقه از آسمون نیفتاده پایین به دفعه ساخته بشه. تا قبل انقلاب ما اینجا سه تا مجتمع پتروشیمی داشتیم. ایران-ژاپن، ایران دیپوند و پتروشیمی شاهپور

-سیاس گزارم از شما، انصافاً تشویق دارد. بفرمایید بنشینید. به بحث مون برگردیم. درگذشته هر پتروشیمی در گوشه‌ای از این خاک افتتاح می‌شد. یکی ماهشهر، یکی اراک، یکی شیراز. ممکنه ندونید که این پتروشیمی‌ها هرکدوم خوراک مورد نیاز برای تولید اون یکی پتروشیمی رو هم تأمین می‌کنه. ما اینجا امروز ۲۱ مجتمع پتروشیمی بالادستی ساختیم. بجز این که اون ۳ تا پتروشیمی بمبارون خورده رو که تازه ژاپنی‌ها و امریکایی‌ها برامون ساخته بودند رو خودمون به دست خودمون تبدیل کردیم به این تعداد مجتمع فعال؛ فکر کنید هر کدوم از اینا به گوشه از این کشور بود. می‌دونید کنار هم اومدن اینا چه هزینه‌ای رو برای کشور صرفه جویی می‌کنه؟

برام جالب بود که همان دانشجویان پرنجب و جوش چند دقیقه قبل حالا چشم‌هایشان را هم گوش کرده بودند تا حرف‌های دکتر همشهری‌شان را به خورد جانیشان دهند.

-دم در یکی از دوستان در خصوص محیط زیست از من سؤال پرسید. جالبه بدونید روزانه ۳۵ هزار مترمکعب آب از کوت امیر، از سر زمین‌های کشاورزی به این منطقه وارد می‌شه که ۱۷ هزار مترمکعبش مصرف واقعیه. این آب رو اینجا تصفیه می‌کنیم، تحویل پتروشیمی فجر می‌دیم تا آب رو صنعتی کنه و از اون جا بین بقیه مجتمع‌ها پخش میشه. حالا تصور کنید هر کدوم از این ۲۱ مجتمع می‌خواست خودش آب مورد نیازش رو تأمین کنه!

یا باید درشون رو تخته می‌کردیم و می‌موندیم تو نیازهای اولیه کشورمون یا این که محیط زیستمون رو نابود می‌کردیم و تلفات جانی می‌گرفتیم. ولی پیشرفت برخلاف توسعه چند بعدی فکر می‌کنه. هم رشد اقتصادی رو در نظر میگیره، هم سلامت زیستی رو. قبل تر که در خصوص هم چین مکان‌های صنعتی بزرگی مطالعه می‌کردم، همیشه برام جالب بود که مثلاً در فصل‌های گرم سال که کشور با بحران برق روبه‌رو می‌شود، چه طور انرژی مورد نیازشان را تأمین می‌کنند؟ فکر کردم بعید است کسی در بین جمع این سؤال را بپرسد. پس به حکم «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من»، همان انگشت را بالا بردم و سؤالم را پرسیدم.

-ممنونم آقای مهندس. سؤال خوبی بود. اتفاقاً یکی از نکات مهمی که ما در ساخت اینجاریعایت کردیم و الان نقطه‌ی قوت منطقه ویژه هست همینه. سال ۸۴ به پتروشیمی یوتیلیتی ساز ساختیم به اسم فجر که دو نیم برابر نیروگاه اتمی بوشهر برق تولید می‌کنه. از ۱۵۰ مگاوات ظرفیت اسمی‌ای که داره، ۱۱۴۷ مگاواتش مصرف خود منطقه ویژه‌اس که به شکل پایدار تأمین میشه. این خیلی مهمه، چون اگه اینجا به لحظه ولتاژ برق بالا و پایین بشه، دستگاه‌ها جا می‌مونن و بعدش نیاز به کالیبره شدن داردن و این یعنی هزینه و نوسان قیمت محصولات. از اون طرف، اینجا تو خوزستان وقتی هوا تازه می‌ره روی درجه کباب‌پز! مردم بعد از خدا، جز کولرهای ۲۴ هزار و ۳۶ هزار پناه دیگه‌ای ندارن. ما برق مازادمون رو وارد شبکه کشوری می‌کنیم تا این نیاز مردم هم حل بشه. آخرین مطلبی که می‌خوام از اهمیت اینجا براتون بگم در خصوص یکی ویژه‌گی‌های مهم صادراتی این جاست. فکر می‌کنید سرمایه‌دارها به راحتی پولشون

رو جایی سرمایه‌گذاری می‌کنند تا وقتی در خصوص تأمین امنیت سرمایه‌شون اطمینان ۱۰۰۰ درصدی نداشته باشند؟! این امنیت یعنی بتونن محصولشون رو راحت به بقیه دنیا بفروشون. بهترین راه ترانزیت موادشون هم دریاست.

دوباره به این واژه رسیدم. «دریا». در اردوهای مختلف پیشرفت این کلمه را بارها و بارها از زبان اهل فن می‌شنیدم. انگار دریا ما را بغل کرده بود و ما چه بی‌مهرا از آغوش بابرکتش به سمت خشکی می‌گریختیم.

-برای حمل و نقل دریایی، قبلاً به اسکله بندر امام خمینی (ره) متکی بودیم. ولی اومدیم خودمون ۷ تا اسکله تخصصی با ظرفیت صادرات ۱۵ میلیون تن در سال مخصوص صنایع پتروشیمی رو ساختیم. فرق می‌کنه بچه‌ها! فرق می‌کنه آدم چه جوری به مشکل نگاه کنه. فرقی اینه که بعضیا تا تقی به توقی می‌خوره جا می‌زنند. ولی بعضیا می‌ایستن تا مشکل رو حل کنند، حتی به قیمت جوشون! مورد داشتیم اپراتور بوده، رفته در مخزن اسید رو بازکنه، افتاده توش. استخوناش هم حل شد! نفر بوده موقع جوشکاری از بالای برج افتاده پایین. مورد داشتیم ابزار سقوط کرده رو سرش، جونش از دست داده. اینا البته بیشتر مال اون اوابله که باید هر طوری بود این جارو می‌ساختیم. الان اوضاع خیلی بهتره. منتهی می‌خوام بدونید اینجا به شبه ساخته نشده. اینجا رو زیر باد کولرنشینا نساختن. اینجا با خون و عرق ساخته شده. با امید و تعهد. حرف دیگه بسه! وقت دینده. بلند شید و به افتخار خودتون کف بزنید. سالن عرق تشویق آمیخته با غرور شد. زودتر بلند شدم تا به مکان بعدی بروم و آن‌جا منتظر جمعیت بمانم. جایی که قرار بود حرف‌های عملی‌تر زده شود.